

# بمناسبت بیست و سومین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران

بهرام رحمانی

[bamdadpress@telia.com](mailto:bamdadpress@telia.com)

یازدهم شهریور ۱۳۸۵ - دوم سپتامبر ۲۰۰۶، حزب کمونیست ایران، پا به بیست و سومین سالگرد تولد خود گذاشت. آغاز بیست و سومین سال حزب را به همه کارگران، رفقای حزبی و کمونیست‌هایی که هنوز در صفوف ما نیستند، شادباش می‌گوئیم و دست‌هایشان را با امید انقلاب دیگر به رهبری طبقه کارگر، به گرمی می‌فشاریم.

حزب کمونیست ایران را کمونیست‌هایی به وجود آوردند که در متن انقلاب یک قدم از نقد و افشای حاکمان جدید عقب ننشستند. از طرفی بر دورنمای حرکت و مبارزه مستقل طبقه کارگر و تلاش برای ساختن صف مستقل طبقه کارگر تاکید کردند.

اجازه بدهید این مطلب را به مناسبت گرامی‌داشت سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران، با نقل قولی از سرشناس‌ترین و انقلابی‌ترین چهره شناخته شده جنبش کمونیستی ایران و رهبر انقلابی جنبش انقلابی کردستان، یعنی کاک فواد مصطفی سلطانی شروع کنیم:

«روزی که خورشید تابناک حزب کمونیست ایران طلوع می‌کند. روز رستاخیز سرخ زحمت‌کشان را نوید می‌دهد و آن روز، روز آب شدن برف‌های ستم است. رفقا! خورشید را به جنبانیم.» (کاک فواد، از توطئه جدید علیه خلق کرد، ۱۳۵۳)

فواد، از پرچمداران مبارزه سیاسی پرولتاریا در انقلاب ۱۳۵۷ تا زمان جان‌باختنش بود. ارزنده‌ترین کار او در این زمینه، آخرین اقدام سیاسی او بود. یعنی او پایه‌های جنبش مقاومت مردم انقلابی کردستان در ۲۸ مرداد ۱۳۵۸، گذاشت. جنبشی که هنوز هم با قدرت‌تر و آگاه‌تر از گذشته به مقاومت رهایی‌بخش خود ادامه می‌دهد و سنگر محکمی برای انقلاب آتی ایران به شمار می‌آید. او، از زمره رهبرانی بود که به مقاومت و مبارزه مسلحانه در برابر یورش وحشیانه جمهوری اسلامی دست زد. او از نخستین کسانی بود که سلاح برگرفت و سرانجام نیز در رهبری نیروی پیشمرگ در نبردی رودرو و نابرابر و تحمیلی جان باخت.

هر چند که کاک فواد، تشکیل حزب کمونیست ایران را ندید، اما یاران و هم‌زمان او در صفوف کومه‌له، دوش به دوش کمونیست‌های انقلابی سراسر ایران، با تشکیل حزب کمونیست، این آرزوی دیرینه او را تحقق بخشیدند. بنابراین، پرواضح است که نام کاک فواد، به عنوان یک رزمنده پرولتری در تاریخ جنبش کارگری کمونیستی ایران و جنبش انقلابی کردستان ثبت شده و از پیشقروان مارکسیسم انقلابی ایران است.

سازمان کردستان حزب کمونیست ایران- کومه‌له، به مثابه سازمان کمونیستی طبقه کارگر، در صف مقدم مبارزه کارگران و مردم انقلابی کردستان جای گرفت و پیشمرگان کومه‌له، سمبل مقاومت و سرسختی در مبارزه نابرابر در مقابل نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی، و یار و یاور کارگران و زحمت‌کشان گردیدند.

اگر چه حکومت جمهوری اسلامی، انقلاب ایران و جنبش انقلابی کردستان را به وحشیانه‌ترین شکلی سرکوب کرد، اما در برابر آن مقاومت و مبارزه کارگران و توده‌های انقلابی در پیشاپیش آنان کومه‌له، به یک جنبش وسیع اجتماعی تبدیل شد. برای نمونه، همین ۱۶ خرداد سال گذشته، با فراخوان کمیته مرکزی کومه‌له، کارگران و مردم آزادی‌خواه سراسر کردستان، دست به اعتصاب زدند و خواب و آرامش را از چشمان سردمداران و نیروهای سرکوبگر ربودند. بیست هشت سال پایداری و ایستادگی در برابر حکومت جنایت‌کار بورژوائی اسلامی، ثمره مبارزه جانفشانی و قهرمانی‌هایی است که با خون هزاران جان‌باخته راه سوسیالیسم و آزادی و ده‌ها هزار زن و مرد و جوان و پیر مبارز و انقلابی آبیاری شده است. جنبشی که در رهبری آن، تشکیلاتی انقلابی و کمونیست همچون حزب کمونیست ایران قرار دارد که از سوی توده‌های وسیع کارگر و زحمت‌کش حمایت می‌گردد.

اما این هم واقعیتی است که حزب کمونیست ایران، در سایر نقاط ایران همچون کردستان، از چنین پایگاه وسیع توده‌ای برخوردار نیست. این ضعف بزرگی است که نه تنها حزب کمونیست ایران، بلکه ضعف همه کمونیست‌هایی است که هنوز به دلایل مختلف از کار متشکل حزبی دوری می‌جویند. جا دارد که هم حزب و هم این رفقا در یک رابطه متقابل تنگاتنگ این ضعف را از سر راه خود بردارند. شکی نیست که در یک برآمد اجتماعی و با باز شدن اولین روزنه امیدبخش تحولات جدید، پیشروان کارگری و کمونیست‌ها، به دلیل خوشنامی حزب کمونیست ایران و درستی اهداف و برنامه و مواضع کمونیستی آن، و به دلیل مبارزه بی‌امانش در راستای سرنگونی جمهوری اسلامی با هدف برپایی حکومت کارگری، به صفوف آن پیوسته و نقش تاریخی خود را ایفا کنند. ما، همیشه جای خالی این رفقا را در صفوف خود حس می‌کنیم و با خلوص نیت دست همکاری به سوی آنان دراز می‌کنیم.

حزب کمونیست ایران، در شرایطی تشکیل شد که از یک‌سو، جریانات بورژوا و خرده بورژوازی مدعی انقلاب، در میان ضعف‌ها و سیاست‌ها و عملکردهای نادرست و توهم‌شان به حاکمیت جدید، و با بی‌افقی از انقلاب و مبارزه انقلابی، در اثر انفعال و آنارشیزم و ناکامی یا به حاشیه رانده شدند و یا از هم پاشیدند؛ و یا این که آشکارا مستقیم و غیرمستقیم در کنار حاکمیت ضدانقلابی ایستادند. از سوی دیگر، حکومت جمهوری اسلامی، قدرت خویش را مدیون این خیانت‌ها و ضعف‌های مدعیان انقلاب است، روزی آن‌ها را با سیاست‌های «مبارزه ضدامپریالیستی»، روزی با دعوای جناح‌های دورن حاکمیت، روزی با جنگ «دفاع از استقلال و میهن» و غیره به دنبال سیاست‌های خود کشید، انقلاب و مردم انقلابی را به مسلخ برد، حزب کمونیست ایران، در چنین شرایطی پا به عرصه حیات نهاد. بدین ترتیب، تشکیل حزب کمونیست، در آن فضای سرکوب و کشتار و جنگ و رعب و وحشت، خود بیانگر این واقعیت تاریخی بود که پیشروان طبقه کارگر و کمونیست‌های انقلابی، نه فقط استقلال سیاسی - طبقاتی و تشکیلاتی خویش، بلکه در همان حال افق انقلاب و عزم و اراده انقلابی خود را به عنوان طبقه تا به آخر انقلابی، اعلام کردند..

اکنون با گذشت بیست و سه سال از فعالیت حزب کمونیست ایران در حاکمیت هارترین و ضدکمونیستی‌ترین حکومت حامی سرمایه، و با تحمل دو انشعاب، یکی ظاهراً از موضع چپ و دیگری کاملاً از موضع راست، در صفوف آن آرمان‌ها و سیاست‌های پرولتری انقلاب کمونیستی عمیق‌تر و ریشه‌دارتر از هر زمان است. اکنون این حزب، درک روشنی از سیاست‌های کمونیستی و از منافع و اهداف مستقل طبقه کارگر دارد. این حزب، درک روشنی در تجهیز طبقه کارگر در به انجام رساندن عظیم‌ترین دگرگونی‌های انقلابی و برپایی حکومت کارگری دارد.

اجازه بدهید در اینجا با هم مروری بر بخشی از برنامه حزب کمونیست ایران داشته باشیم: «برنامه حزب کمونیست ایران، به مثابه حزبی مارکسیستی، برای پایان دادن به حاکمیت سیاسی و اقتصادی طبقه سرمایه‌دار، برقراری حکومت کارگری و ایجاد یک جامعه سوسیالیستی مبارزه می‌کند. جامعه‌ای که پایان بخشیدن به استثمار انسان از انسان، زوال دولت و تمام ارکان نگاه‌دارنده‌اش از آن طریق می‌گذرد. هدف غائی ما دستیابی به جامعه‌ای است که در آن آزادی و رفاه همگانی جای اسارت و بی‌عدالتی و محرومیت را می‌گیرد و فرصت‌های یکسان برای رشد و شکوفایی خلاقیت‌ها و تعالی انسان فراهم می‌شود؛ جامعه‌ای که در آن هر کس به اندازه توانانش کار می‌کند و به اندازه نیازش از مواهب زندگی برخوردار می‌گردد، و در آن دولتی نیست که بر فراز جامعه قرار بگیرد و بند اسارت تک‌تک افراد آن را به گذشته‌های استثمار، ستم، خرافه‌پرستی و جهل‌گره بزند.

از نظر ما سوسیالیسم امری مربوط به آینده‌ای نامعلوم و دور دست نیست بلکه زمینه، توانایی و امکان اجتماعی و اقتصادی آن در بطن نظام سرمایه‌داری ایران فراهم آمده است و تحقق آن به نیروی آگاهی، تشکل و مبارزه طبقه کارگر ممکن خواهد شد. امکانات مادی و ثروت‌های غنی جامعه ایران و همبستگی بین‌المللی کارگری دوام و پایداری آن خواهد بود.

در شرایط حاضر این مبارزه از طریق سرنگونی جمهوری اسلامی تداوم می‌یابد و برانداختن این نظام سرکوب و خفقان در ایران هدف بلاواسطه انقلاب کارگری را تشکیل می‌دهد. اما در شرایطی که هنوز نظام سرمایه‌داری برقرار است، حزب کمونیست ایران در عین مبارزه بی‌وقفه و پیگیر برای برقراری سوسیالیسم و ایجاد جامعه کمونیستی، لحظه‌ای مبارزه برای انجام اصلاحات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی پیشرو و مترقی را جهت بهبود شرایط زندگی توده‌های کارگر و زحمت‌کش و امن‌تر و انسان‌تری کردن جامعه و محیطی که در آن زندگی می‌کنیم، در چهارچوب همین نظام موجود نیز رها نخواهد کرد. تحقق این مطالبات در عین حال شرایط مناسب را برای انقلاب کارگری و سوسیالیسم فراهم می‌آورد. بنابراین حزب کمونیست ایران از هم اکنون برای تحقق مطالبات زیر مبارزه می‌کند.»

از توضیح این مطالبات به دلیل طولانی بودن می‌گذریم و فقط به سر تیترهای آن‌ها اشاره می‌کنیم: «شوراها و حاکمیت مردم؛ برچیده شدن دستگاه بوروکراسی مافوق مردم؛ انحلال ارتش و دیگر نیروهای مسلح حرفه‌ای؛ حقوق و آزادی‌های فردی، سیاسی و اجتماعی؛ رفع تبعیض از زنان، برابری زن و مرد؛ پایان دادن به ستم ملی و تبعیض براساس ملیت؛ رفاه عمومی و بیمه-های اجتماعی؛ حفظ محیط زیست؛ مفاد حداقل قانون کار و حقوق کارگری.

حزب کمونیست ایران پیگیرانه برای دستیابی به اصلاحات فوق در زندگی اجتماعی کارگران و توده‌های محروم مبارزه می‌کند. ما از هر مبارزه آزادی‌خواهانه و حق‌طلبانه بر علیه جمهوری

اسلامی و هر جنبشی که پیگیرانه خواهان رفع و از میان برداشتن اشکال مختلف تبعیضات جنسی، مذهبی، ملی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی باشد پشتیبانی می‌کنیم. حزب کمونیست ایران در هر مبارزه، حرکت اجتماعی و نهاد سیاسی که بخشا اهداف سیاسی اعلام شده آن را برآورده و امکان دسترسی جنبش و نیروهای کارگری و سوسیالیستی را به اهرم‌های قدرت سیاسی در جامعه فراهم نماید، فعالانه مشارکت خواهد کرد.»\*

اگر محقق و تاریخ‌نویس و پژوهشگر بی‌طرف و حقیقت‌گویی تاریخ بیست و سه سال فعالیت و مبارزه بی‌وقفه و پیگیر حزب کمونیست ایران را مورد بررسی و کنکاش قرار دهد قطعاً به این نتیجه خواهد رسید که این حزب، با هر ایراد و اشکال و کمبودی بدون تزلزل در مقابل حکومت بورژوائی جمهوری اسلامی و جناح‌های آن، در رشد و گسترش سوسیالیسم علمی و در شفافیت دادن به مبارزه کارگران مستقل از دولت و گرایش‌های بورژوائی و برای تحقق شعار اصلی خود، یعنی «آزادی، برابری، حکومت کارگری»، صادقانه و با خلوص نییت مبارزه کرده است. این شعار که شعار کارگران انقلابی است و مضمون و محتوای سیاسی، اجتماعی و انسانی آن به حدی شفاف است که نیاز به توضیح بیش‌تری ندارد. حزب کمونیست ایران، عزم و اراده کرده است تا تحقق این شعار لحظه‌ای از مبارزه سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر غافل نباشد. این هم فقط یک ادعا نیست، بلکه با رجوع به اهداف و برنامه حزب کمونیست ایران و بررسی انبوهی از اسناد و بیانیه‌های رسمی آن که در کنگره‌ها و پلنوم‌های کمیته مرکزی حزب و کومه‌له، تصویب و منتشر شده است؛ و یا با مراجعه به نشریه جهان امروز، نشریه سیاسی حزب کمونیست ایران و نشریه پیشرو کردی، ارگان کمیته مرکزی کومه‌له، به سادگی می‌توان به صداقت و درستی و حقانیت سیاست‌های کارگری کمونیستی و تاکتیک‌ها و استراتژی آن پی برد.

حکومت کارگری، نه حکومت حزب به نام طبقه کارگر، بلکه حکومتی است که مبارزه طبقه کارگر را برای لغو کار مزدی و مالکیت خصوصی بر وسائل تولید و جایگزینی آن با تولید و مناسبات اجتماعی سوسیالیستی به جای سیستم استثمارگر سرمایه‌داری در کلیه وجوه اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و انسانی پیش می‌برد. حکومت کارگری، حکومتی برای تضمین رهایی انسان از هرگونه قید و بند و ستم و استثمار سرمایه‌داری است.

کمونیست‌ها نه تنها اصلاحات به نفع طبقه کارگر و کل جامعه، بلکه حتی انقلاب کارگری را بدون تشکلهای توده‌ای و اجتماعی گوناگون کارگران، یعنی بدون وجود تشکلهایی که میلیون‌ها کارگر را در خود متحد و متشکل سازد، عملی نمی‌دانند. هر اصلاح و بهبود جزئی را باید با نیروی متحد طبقه کارگر به طبقه سرمایه‌دار و دولت حامی سرمایه تحمیل کرد. شوراهای سندیکاها، کمیته‌های کارگری و غیره ابزاری برای مبارزه کارگران در جهت کسب حقوق آنها است. هیچ حکومت بورژوائی به کارگران اجازه تشکیل شورا و سندیکا و کمیته‌های کارگری و غیره نمی‌دهد، از این رو کارگران از پایین تشکل خود را به وجود می‌آورند و موجودیت آن و نمایندگانشان را به کارفرمایان و حکومت تحمیل می‌کنند. کارگران باید با نیروی اتحاد و همبستگی خود کارفرما و حکومت را وادار کنند که تشکل آنها را به رسمیت بشناسند. بنابراین، کارگران برای تاسیس تشکل خود، نیازی به اجازه حکومت و کارفرما و نظارت وزارت کار و غیره ندارند. تشکلهای توده‌ای کارگران تنها ابزاری برای بهبود اوضاع کارگران نیست، بلکه

این تشکل‌ها ظرف بهتر و مناسبی برای متشکل شدن کارگران تحت سیاست‌های انقلابی طبقه کارگر، یعنی سیاست سوسیالیستی است.

حزب کمونیست ایران، علاوه بر این که خواهان متشکل شدن رهبران و پیشروان طبقه کارگر در صفوف حزب است، اما در عین حال وظیفه خود می‌داند که در راه متشکل شدن کارگران در تشکل‌های مستقل‌شان از هیچ تلاشی فروگذار نباشد.

در پایان همراه همه رفقای حزبی که چه در تشکیلات‌های مخفی و چه در سنگرهای جنبش انقلابی کردستان و تشکیلات علنی کومه‌له و چه در خارج کشور، در مقابل هارترین حکومت بورژوائی، برای تحقق مطالبات روزمره کارگران، زنان، جوانان و دانش‌جویان و برای تدارک انقلاب اجتماعی به همراه تمام کارگران و کمونیست‌ها و آزادی‌خواهان انقلابی که دل‌هایشان برای آزادی، برابری، حکومت کارگری و رهایی همه استثمارشوندگان می‌طپد، بیست و سومین سالگرد تاسیس حزب کمونیست ایران را شادباش می‌گوئیم.

۱۱ شهریور ۱۳۸۵ - دوم سپتامبر ۲۰۰۶

\* علاقه‌مندان می‌توانند کل برنامه حزب کمونیست ایران و دیگر اسناد آن را در سایت حزب کمونیست ایران [www.cpiran.org](http://www.cpiran.org) و سازمان کردستان حزب کمونیست ایران - کومه‌له را در سایت [www.komalah.org](http://www.komalah.org) مطالعه کنند.